علم ثروتمند شدن

والاس دی. واتلز

نویسنده کتاب «علم نوین زندگی و درمان»

ترجمه فارسی

ناشر نسخه اصلی: الیزابت تاون، هولیوک، ماساچوست

چاپ نخست: ۱۹۱۰

حق نشر نسخه اصلی: اول آوریل ۱۹۱۰

قیمت روی جلد در نسخه اصلی: یک دلار

فصل نمونه رایگان

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول: حق ثروتمند بودن

فصل دوم: ثروتمند شدن علمی دارد

فصل سوم: آیا فرصت ها در انحصار عده ای هستند؟

فصل چهارم: اصل نخست در علم ثروتمند شدن

فصل پنجم: گسترش زندگی

فصل ششم: ثروت چگونه به سوی شما می آید

فصل هفتم: قدردانی

فصل هشتم: اندیشیدن به شیوه ای معین

فصل نهم: چگونه از اراده استفاده کنیم

فصل دهم: کاربردهای بیشتر اراده

فصل یازدهم: عمل کردن به شیوه ای معین

فصل دوازدهم: عمل موثر

فصل سیزدهم: ورود به کسب و کار مناسب

فصل چهاردهم: تاثیر افزایش و فراوانی

فصل پانزدهم: انسان رو به پیشرفت

فصل شانزدهم: چند هشدار و ملاحظات پایانی

فصل هفدهم: خلاصه علم ثروتمند شدن

پیشگفتار

این کتاب کاربردی است، نه فلسفی؛ راهنمایی عملی است، نه رساله ای درباره نظریه ها. این کتاب برای مردان و زنانی نوشته شده است که فوری ترین نیازشان پول است؛ کسانی که می خواهند نخست ثروتمند شوند و بعد به فلسفه بپردازند. مخاطبان آن افرادی هستند که تا امروز نه وقت کافی داشته اند، نه امکانات و نه فرصت آن را که عمیقا به مطالعه متافیزیک بپردازند؛ اما نتیجه می خواهند و حاضرند نتیجه گیری های علم را مبنای عمل قرار دهند، بی آنکه ناچار باشند همه مراحل رسیدن به آن نتیجه ها را بررسی کنند.

انتظار می رود خواننده گفته های بنیادی این کتاب را بپذیرد؛ همان طور که اگر مارکونی یا ادیسون درباره قانون عملکرد برق سخنی می گفتند، آن را می پذیرفت. سپس باید این گفته ها را با اطمینان قبول کند و بی ترس و تردید بر اساس آنها عمل کند تا درستی شان را بیازماید. هر زن یا مردی که چنین کند، بی تردید ثروتمند خواهد شد؛ زیرا علمی که در اینجا به کار گرفته می شود، علمی دقیق است و در آن شکست ناممکن است. با این حال، برای کسانی که می خواهند نظریه های فلسفی را بررسی کنند و مبنایی منطقی برای ایمان خود به دست آورند، چند منبع را معرفی می کنم.

نظریه یگانه انگاری درباره جهان، یعنی این دیدگاه که «یکی همه چیز است و همه چیز یکی است» و یک ماده واحد خود را در قالب عناصر ظاهرا گوناگون جهان مادی نشان می دهد، ریشه در اندیشه هند دارد و طی دویست سال گذشته کم کم در اندیشه جهان غرب نیز جای خود را باز کرده است. این نظریه پایه فلسفه های شرقی و نیز اندیشه های دکارت، اسپینوزا، لایب نیتس، شوپنهاور، هگل و امرسون است.

به خواننده ای که می خواهد به بنیان های فلسفی این موضوع برسد، توصیه می کنم آثار هگل و امرسون را بخواند. همچنین رساله بسیار خوبی به نام «خبر جاودان» نوشته جی. جی. براون، به نشانی خیابان کاتکارت، شماره ۳۰۰، گووانهیل، گلاسگو، اسکاتلند، می تواند سودمند باشد. شاید مجموعه مقاله هایی را نیز مفید بیابید که من در بهار و تابستان سال ۱۹۰۹ در مجله «ناتیلوس» در هولیوک ماساچوست، با عنوان «حقیقت چیست؟» منتشر کردم.

هنگام نوشتن این کتاب، همه ملاحظات دیگر را فدای روشنی و سادگی بیان کرده ام تا همه بتوانند آن را بفهمند. شیوه عملی که در اینجا شرح داده می شود از نتیجه گیری های فلسفی به دست آمده، بارها آزموده شده و از مهم ترین آزمون، یعنی تجربه عملی، سربلند بیرون آمده است؛ این روش کار می کند. اگر می خواهید بدانید این نتیجه گیری ها چگونه به دست آمده اند، نوشته های نویسندگانی را که نام بردم بخوانید؛ اما اگر می

خواهید ثمره فلسفه آنها را در عمل به دست آورید، این کتاب را بخوانید و دقیقا همان کاری را انجام دهید که به شما می گوید.

نویسنده

فصل اول: حق ثروتمند بودن

هرچه در ستایش فقر گفته شود، این واقعیت همچنان پابرجاست که بدون ثروت نمی توان زندگی را به راستی کامل و موفق گذراند. هیچ انسانی نمی تواند تا بالاترین حد توانایی های ذهنی یا رشد روحی خود پیش برود، مگر آنکه پول کافی داشته باشد؛ زیرا برای پرورش روح و شکوفا کردن استعدادها به چیزهای فراوانی نیاز دارد و بدون پول نمی تواند آنها را تهیه کند.

انسان با استفاده از امکانات و چیزهای پیرامونش از نظر ذهنی، روحی و جسمی رشد می کند. از آنجا که جامعه به گونه ای سازمان یافته است که انسان برای به دست آوردن این امکانات به پول نیاز دارد، پایه هرگونه پیشرفت انسان باید علم ثروتمند شدن باشد.

هدف زندگی رشد و پیشرفت است و هر موجود زنده ای حقی جدایی ناپذیر دارد که به تمام رشدی برسد که توانایی آن را دارد. حق زندگی برای انسان به این معناست که بتواند آزادانه و بدون محدودیت از تمام چیزهایی استفاده کند که برای کامل ترین شکوفایی ذهن، روح و جسمش لازم است؛ به بیان دیگر، حق او برای ثروتمند بودن است.

در این کتاب، ثروت را به معنای استعاری به کار نمی برم. واقعا ثروتمند بودن به این معنا نیست که به اندکی دارایی رضایت بدهیم. اگر کسی توان استفاده و لذت بردن از امکانات بیشتر را دارد، نباید به اندک قانع باشد. هدف طبیعت، پیشرفت و شکوفایی زندگی است؛ بنابراین هر انسان باید از هر چیزی که به قدرت، ظرافت، زیبایی و غنای زندگی می افزاید، بهره مند باشد. قانع شدن به کمتر از این، خطاست.

کسی ثروتمند است که هر آنچه را برای زیستن تمام زندگی ای که توان تجربه کردنش را دارد، در اختیار داشته باشد. هیچ کس بدون پول کافی نمی تواند هر آنچه را می خواهد به دست آورد. زندگی تا اندازه ای پیشرفت کرده و چنان پیچیده شده است که حتی معمولی ترین زن یا مرد نیز برای داشتن زندگی ای که اندکی به کمال نزدیک باشد، به دارایی زیادی نیاز دارد. هر انسانی به طور طبیعی می خواهد به تمام چیزی تبدیل شود که استعدادش را دارد. میل به تحقق توانایی های درونی، بخشی از سرشت انسان است؛ نمی توانیم نخواهیم به بهترین شکل ممکن تبدیل شویم.

موفقیت در زندگی یعنی تبدیل شدن به آنچه می خواهید باشید. تنها با استفاده از امکانات می توانید به آنچه می خواهید تبدیل شوید و فقط وقتی می توانید آزادانه از امکانات بهره ببرید که آن قدر ثروت داشته باشید که بتوانید آنها را تهیه کنید. بنابراین، فهم علم ثروتمند شدن از ضروری ترین دانش هاست.

هیچ اشکالی ندارد که بخواهید ثروتمند شوید. میل به ثروت در حقیقت میل به زندگی ای غنی تر، کامل تر و سرشارتر است و چنین میلی شایسته ستایش است. کسی که نمی خواهد زندگی پرمایه تری داشته باشد، از حالت طبیعی دور شده است؛ همان طور که کسی که نمی خواهد آن قدر پول داشته باشد که بتواند چیزهای مورد نیازش را بخرد، از این میل طبیعی محروم است.

ما به سه دلیل زندگی می کنیم: برای جسم، برای ذهن و برای روح. هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد و مقدس تر از آن نیست؛ هر سه به یک اندازه خواستنی هستند. هیچ یک از این سه، یعنی جسم و ذهن و روح، نمی تواند زندگی کاملی داشته باشد اگر دیگری از رشد و بیان کامل محروم بماند. زندگی فقط برای روح و انکار ذهن یا جسم نه درست است و نه شرافتمندانه؛ همان طور که زندگی صرفا برای ذهن و انکار جسم و روح نیز نادرست است.

پیامدهای ناخوشایند زندگی صرفا جسمانی و نادیده گرفتن ذهن و روح را همه می شناسیم. زندگی واقعی یعنی بیان کامل هر آن چیزی که انسان می تواند از راه جسم، ذهن و روح بروز دهد. هرچه انسان بر زبان بیاورد، تا زمانی که جسمش در همه کارکردهای خود زندگی کاملی نداشته باشد و ذهن و روحش نیز چنین نباشند، واقعا خشنود و راضی نخواهد بود. هر جا توانایی ای بیان نشده یا کارکردی انجام نگرفته باشد، میلی برآورده نشده وجود دارد. میل، توانایی ای است که می خواهد خود را آشکار کند، یا کارکردی است که خواهان انجام شدن است.

انسان بدون غذای خوب، لباس راحت، سرپناه گرم و رهایی از کار طاقت فرسا نمی تواند از نظر جسمی زندگی کاملی داشته باشد. استراحت و تفریح نیز برای زندگی جسمانی ضروری است.

برای زندگی کامل ذهنی، به کتاب و وقت مطالعه، فرصت سفر و مشاهده و همراهی با کسانی که از نظر فکری هم صحبت خوبی هستند نیاز داریم. ذهن برای زندگی کامل به سرگرمی های فکری و نیز به همه جلوه های هنر و زیبایی نیاز دارد که انسان توان استفاده و درک آنها را دارد.

برای آنکه انسان از نظر روحی زندگی کاملی داشته باشد، به عشق نیاز دارد؛ اما فقر مجال بیان عشق را محدود می کند. بالاترین شادی انسان در نیکی کردن به کسانی است که دوستشان دارد و عشق به طبیعی

ترین و خودجوش ترین شکل خود در بخشیدن آشکار می شود. کسی که چیزی برای بخشیدن ندارد، نمی تواند جایگاه خود را به عنوان همسر، پدر، شهروند یا یک انسان به درستی ایفا کند.

انسان با استفاده از چیزهای مادی، زندگی جسمانی خود را کامل می کند، ذهنش را پرورش می دهد و روحش را شکوفا می سازد. از این رو، ثروتمند شدن برای او اهمیتی بسیار زیاد دارد.

کاملا درست است که بخواهید ثروتمند شوید؛ اگر زن یا مردی با سرشت طبیعی باشید، نمی توانید چنین میلی نداشته باشید. همچنین درست است که توجه خود را به علم ثروتمند شدن معطوف کنید، زیرا این مطالعه از شریف ترین و ضروری ترین مطالعات است. اگر از آن غفلت کنید، در برابر خود، خدا و بشریت به وظیفه تان عمل نکرده اید؛ زیرا هیچ خدمتی بزرگ تر از این نیست که توانایی های خود را تا بیشترین حد ممکن پرورش دهید.

جهت خرید و دانلود و مطالعه کامل این کتاب و مشاهده کتاب های بیشتر روی لینک زیر کلیک نمایید:

خرید نسخه کامل کتاب